

تلاش های متفاوت، نتیجه های گوناگون

احمد عدالتیان| در ادامه مرور سوره های قرآن کریم به سوره مبارک لیل (شب) رسیدیم. این سوره ۲۱ آیه دارد و در مکه نازل شده و نام آن، برگرفته از آیه اول است که با سوگند به شب آغاز می شود. خداوند متعال در آیات یک تا ۴ این سوره می فرماید: «وَاللَّيْلِ إِذَا يَغْشَىٰ، وَالنَّهَارِ إِذَا تَجَلَّىٰ، وَمَا خَلَقَ الذَّكَرَ وَالْأُنثَىٰ، إِنَّ سَعْيَكُمْ لَشَتَّىٰ.

به شب سوگند، آن گاه که [زمین را در پرده سیاه] فروپوشاند! به روز سوگند، آن گاه که روشن شود! سوگند به آن کس که تر و ماده را آفرید! همانا تلاش های شما پراکنده است.» سایه شب، یکی از نعمت های بزرگ الهی است که در آن تعدیل حرارت، آسایش جسم، آرامش روح و نیایش های خالصانه انجام می گیرد و روشنایی روز نیز نعمتی است که باعث آشکاری و دیده شدن می شود و این ها نشانه های آفاقی است که درکنار نظام زوجیت در حیوان و انسان و چیزهای دیگر، قدرت و حکمت خداوند را آشکار می کند. خداوند به این امور سوگند یاد کرده است تا بگوید که در تلاش های انسان ها هم مثل شب و روز و زوج و فرد، تفاوت وجود دارد و هر تلاش، منجر به نتیجه ای متفاوت می شود. درنتیجه، مهر یا قهر خداوند نیز متفاوت خواهد بود و این تفاوت، حکیمانه و عادلانه است نه گراف و بی دلیل. کارهای انسان چه از نظر خود آن کار و چه از نظر اثراتش، مختلف است، هرکه به اندازه تلاشی که می کند و متناسب با جهتی که به سمت آن تلاش می کند، به نتایج متفاوتی می رسد و در نظام عدل الهی در جایگاه خود قرار می گیرد.

حکمت

اگر خوبی را می گویی، اول خودت اهلهش باش!

علیرضا وکیل‌ا| خوب حرف زدن به تنهایی جزو عواملی نیست که حرف انسان را اثرگذار می کند، بلکه آنچه حرف انسان را اثرگذار می کند، این است که آدم خودش به چیزی که می گوید، باور داشته باشد و تا حد ممکن آن را زندگی کند. خیلی وقت ها فرزند ما به جای اینکه به توصیه های ما گوش بدهد، به رفتار ما نگاه می کند، همکارمان هم همین طور. اطرافیان، بیش از آنکه از حرف های ما تأثیر بگیرند، از سبک زندگی ما یاد می گیرند. حضرت امیرالمؤمنین علی^ع می فرماید: أَتَيْهَا النَّاسُ؛ إِنِّي وَاللَّهِ مَا أُحْكَمُكَ عَلَي طَاعَةِ إِلَّا وَأَسْبَقُكُمْ إِلَيْهَا وَلَا أَتَاهَاكُمْ عَنْ مَعْصِيَةِ إِلَّا وَأَتَاهَاي قَبْلَكُمْ عَنْهَا. ای مردم! بخدا سوگند من هرگز شما را به هیچ طاعتی فرامی خوانم مگر آنکه خود بر شما. در عمل به آن. پیشی می جویم و از هیچ گناهی بازتان نمی دارم و نهی نمی کنم. مگر آنکه پیش از شما، خود را از عمل به آن باز می دارم.

می فرمایند اگر اهل دعوت به خوبی هستی، خودت هم باید در شمار اهل آن خوبی قرار بگیری. این نکته در زندگی امروز خیلی مهم است. پدری که از فرزندش می خواهد با احترام حرف بزند اما خودش در خانه با تندی صحبت می کند، شاید حرف درستی بزند، اما رفتار او حرفش را خنثی می کند. کسی که از دیگران صداقت می خواهد اما خودش در معاملاتش، راه های فرعی را پیدا می کند، نمی تواند انتظار داشته باشد توصیه اش اثر عمیقی داشته باشد.

امربه معروف، پیش از اینکه یک «تذکر به دیگران» باشد، یک مسئولیت دربرابر خود است. این نگاه، ما را از یک اقت هم نجات می دهد. اینکه تصور کنیم وظیفه دینی ما فقط پیدا کردن اشکال دیگران است. گاهی انسان آن قدر سرگرم اصلاح اطرافیان می شود که خودش را فراموش می کند. اگر از فرزندان می خواهیم نماز را جدی بگیرد، خودش باید ببیند نماز در زندگی ما جایگاه واقعی دارد. اگر از او مسئولیت پذیری می خواهیم، باید مسئولیت پذیری را در رفتار ما ببیند. اگر از او می خواهیم دروغ نگوید، نباید برای راحت شدن کارمان، دروغ های کوچک را عادی کرده باشیم.

البته امربه معروف به معنای بی تفاوت نبودن دربرابر خوبی ها و بدی های جامعه است. اما نقطه شروع آن، خود انسان است.

پدرانہ یعنی وقتی به فرزندان می گوییم «این کار خوب را انجام بده»، در دل خودمان هم یک سؤال داشته باشیم؛ «آیا خودم اهل این خوبی هستم؟»

چون گاهی بهترین روش دعوت به معروف، نه یک سخنرانی طولانی، بلکه یک رفتار درست و تکرار شونده است.

انسان دوستی یعنی قبل از اینکه انگشت اشاره مان را به سمت دیگری بگیریم، یک لحظه به سبک زندگی خودمان نگاه کنیم.

احکام

تکلیف خانواده دربرابر

پدری که خمس نمی پردازد

سمانه رضوانی| خمس یکی از واجبات مالی مهم در اسلام است که پرداخت آن بر کسی که شرایط وجوب را دارد، لازم است. اما گاهی پیش می آید که پدر خانواده به این واجب الهی بی اعتناست واز پرداخت آن خودداری می کند. در چنین وضعیتی، همسر و فرزندان او با پرسش های بی شماری روبه رو می شوند؛ آیا می توانند از اموال او استفاده کنند؟ آیا خوردن و آشامیدن از مال او برایشان حلال است؟ آیا نماز و روزه شان صحیح است؟ آیا وظیفه ای در قبال این وضعیت دارند؟

شهید آیت الله العظمی سید علی خامنه ای:

اگر پدری اهل خمس نباشد، فرزندان می توانند از اموال او استفاده کنند و خوردن و آشامیدن و پوشیدن و... اشکالی ندارد. نماز و روزه هم صحیح است؛ البته اگر اثر دارد. لازم است او را امربه معروف کنند.

آیت الله العظمی ناصر مکارم شیرازی:

می تواند از خوراک و پوشاک او استفاده کند و ما اجازه می دهیم وجوه شرعیه آن را بر ذمه بگیرد و هر وقت توانایی پیدا کرد، بپردازد. در این زمینه لازم است همسر و فرزندان، با زبان خوش و لحن ملایم، همراه با ادب و احترام، ایشان را امربه معروف و نهی ازمنکر کنند و فواید مادی و معنوی خمس را بیان کنند تا در ایشان، رغبت به پرداخت خمس ایجاد شود.

آیت الله العظمی سید علی سیستانی:

آنچه به خانه می آورد، برای اهل خانه حلال است و آن ها تکلیفی ندارند.

نتیجه گیری:

براساس این فتاوا، می توان نتیجه گرفت که در هر سه دیدگاه، استفاده همسر و فرزندان از اموال پدری که خمس نمی پردازد، جایز و حلال، شمرده شده است. همچنین عبادت های آنان صحیح است و تکلیفی بر گردنشان نیست. تنها نکته مشترک در کلام مراجع، مسئولیت امربه معروف و نهی ازمنکر است که باید با رعایت شرایط و با زبان نرم و ملایم انجام شود.

شهر

۳شنبه
۲۲ شهریور ۱۴۰۲
۴ ربیع الثانی ۱۴۴۸
۲۸ شهریور ۱۳۸۷

۱۴



معارف

[ع] تصویر انسان ازده صدق‌الهی الهی‌ها را



واژه «حمل» به معنای برداشتن و جابه جاکردن است، این مفهوم عام است و شامل چیزهای مادی و غیر مادی می شود. حتی یادگیری و تسلط بر موضوع نیز نوعی حمل است، چنان‌که در قرآن، عالمان تورات، حامل آن معرفی شده‌اند. «کتاب» به معنای تثبیت و تقریر است. غرض از کتاب، چیزی است که معانی یا اشیا را با اسبابی مناسب ضبط و نگهداری می کند، به گونه ای که در اختیار ضبط کننده (نگهدارنده) باشد و هرگاه بخواهد، به آن مراجعه کند.

واژه شناسی

حاملان کتاب الهی

تحمل کتاب الله در این فراز، به معنای آگاهی و تسلط پیدا کردن بر مضمون و محتوای کتاب خداست؛ زیرا تحمل به معنای به دست گرفتن، برداشتن، بر پشت یا بر سر نهادن و اتمال آن، اولاکار مهم و مبین قرآن هستند، بلکه طبق حدیث ثقلین، کاملاً با آن متحد و هماهنگ بوده‌اند؛ در هیچ مرحله و عالمی جدای از قرآن نبوده‌اند و همچنین آگاهی ائمه^ع بر اعمال بندگان، جزو اعتقادات قطعی شیعه است. آنان در دنیا اعمال بندگان را می بینند و در آخرت، به آن شهادت می دهند؛ چنان که آگاهی آنان بر علم الهی در حدی که خدا اجازه می دهد، از اعتقادات خلل ناپذیر امامیه است و این، به معنای همان علم غیب است.

اتحاد عترت با قرآن

آگاهی ائمه^ع بر قرآن و سایر کتب آسمانی از اعتقادات غیرقابل خدشه امامیه است. آن ها نه تنها معلم و مبین قرآن هستند، بلکه طبق حدیث ثقلین، کاملاً با آن متحد و هماهنگ بوده‌اند؛ در هیچ مرحله و عالمی جدای از قرآن نبوده‌اند و همچنین آگاهی ائمه^ع بر اعمال بندگان، جزو اعتقادات قطعی شیعه است. آنان در دنیا اعمال بندگان را می بینند و در آخرت، به آن شهادت می دهند؛ چنان که آگاهی آنان بر علم الهی در حدی که خدا اجازه می دهد، از اعتقادات خلل ناپذیر امامیه است و این، به معنای همان علم غیب است.

برگرفته از کتاب «ادب فنای مقربان»، آیت الله العظمی جواد آملی

زیارت جامعه کبیره

تبیین جایگاه معرفتی اهل بیت^ع به عنوان «حَمَلَةَ کِتَابِ الله»

وحدت بیان و مبین

حائیه سالم| اهل بیت^ع، در اوج مقام حاملان قرآن جای دارند؛ آنان فراتر از تلاوت کنندگان، تجسم زنده و حی و مظهر کمال انسانی درمیان خلق بودند. آنان نه تنها بر تمام ظواهر، اشارات و لطایف و حیاتی مسلط بودند، بلکه تمام وجود و هستی شان با قرآن درآمیخته بود. درحقیقت پیوند امام و کتاب، وحدت بی مرز میان علم و عمل است؛ پیوندی که در آن، قرآن از یک متن مکتوب، به حقیقتی جاری و حیات بخش در کالبد معصومین^ع بدل می شود. این تجلی بی بدیل، مرزی میان دانش محدود بشری و علم مطلق الهی ترسیم می کند و جایگاه آنان را فراتر از معرفت نظری قرار می دهد.

گزارش

قدرت تکوینی

اگر کسی حامل کتاب باشد و عالم به آن شود، از قدرت فوق العاده ای برخوردار می شود که می تواند در نظام تکوین (هر آنچه در دنیا وجود دارد)، تصرف کند. یکی از اطرافیان حضرت سلیمان^ع که به تصریح قرآن، به بخشی از علم به کتاب دست یافته بود، از چنان قدرتی برخوردار بود که در یک چشم برهم زدن تخت سلطنتی ملکه سبا را نزد حضرت سلیمان^ع حاضر کرد. قدرت آن شخص، از علم او به کتاب، ناشی شده بود، بنابراین بین علم به کتاب و قدرت تصرف در نظام تکوین، رابطه مستقیم وجود دارد، یعنی هرچه علم به کتاب بیشتر شود، قدرت نیز افزون می شود.

ائمه^ع و توان تغییر سرنوشت

آیا ائمه^ع از سرنوشت خود آگاه بودند؟ آیا امام حسین^ع هنگام عزیمت به کوفه، می دانست که سفر او در کربلا به شهادت ختم می شود؟ بررسی وصیت نامه و سخنان ایشان، نشان می دهد که حضرت از فرجام سفر خویش آگاه بود. این آگاهی دو بعد داشت؛ بعد ملکوتی که مستند به اخبار نبوی و وحی الهی بود، بعد ملکی که برخاسته از تحلیل اوضاع زمانه بود. گاهی شرایط چنان بحرانی می شود که آدمی به ناچار برای رسیدن به مقصود، هرکاری انجام می دهد، حتی اگر بداند به مرگ او می انجامد؛ همان گونه که رزمندگان اسلام با آگاهی از مرگ در میدان مین، برای حفظ نظام ایستادگی کردند. در عصر امام حسین^ع نیز، انحراف در حکومت اسلامی چنان عمیق بود که تنها از مسیر شهادت، می توانست اصلاح شود.

اتمام حجت

آیا ائمه^ع هنگام مواجهه با دشمن، نمی توانستند دشمن را نابود کنند؟ اگر می توانستند، چرا بیاد فریاد رهل من ناصرینصرنی، از مردم یاری خواستند؟ آنان به اذن الهی، توان نابودی دشمن را با یک اراده داشتند، اما دنیا دار آزمون است و بر مدار سنن عادی، اداره می شود. اگر ائمه^ع برای اهدافشان از قدرت های غیرعادی بهره می بردند، تکلیف و امتحان از بین می رفت؛ زیرا دیگر نه خودشان آزمونده می شدند و نه پیروانشان. امام، الگوی عملی امت است. اگر او در مواجهه با مشکلات، از قدرت غیرعادی استفاده می کرد، دیگر نمی توانست مردم را به ایستادگی دربرابر سختی ها و شهادت فرایخواند؛ زیرا امت می گفتند: «چرا خودت ترسیدی و با قدرت غیرعادی، این موانع را برداشتی؟»، بنابراین فریاد یاری طلبی امام^ع، برای اتمام حجت بوده است.

جامعه مؤمنان؛ جامعه امنیت و امید

اعتماد مؤمنان؛ جلوه ای از رحمت خدا در جامعه

با این فرهنگ حتی از آن سو نیز اگر به این مسئله بیندیشیم، عرض حاجت نزد برادران دینی نه نشانه ضعف، بلکه نشانه اعتماد، هم بستگی و پیوند ایمانی است. جامعه ای که در آن انسان مؤمن، بتواند نیاز خود را بی هراس با برادر دینی خویش درمیان بگذارد، جامعه ای زنده و الهی است، زیرا این اعتماد متقابل، جلوه ای از رحمت خدا درمیان بندگان است. از همین معناست که امام صادق^ع فرمودند: «کفی باللهءاعتماداً علی اخیه ان یتزلّ به حاجته»، در اثبات اعتماد به برادر دینی، همین بس که خدا(که حاجت مردم است) انا را راحت نشوید. «مجلسی، محمدباقر ج۲، ص ۱۹۸، حدیث ۸) در چنین افقی، حاجت مردم، باری مزاحم و آزاد دهنده نیست، بلکه نعمتی الهی و مجرایی برای ظهور کرامت انسان مؤمن است. چه بسیار کسانی که در اثر تمکن مالی یا موقعیت اجتماعی، در معرض مراجعه نیازمندان قرار می گیرند، اینان اگر بانگاه الهی بنگرند، خواهند دانست که خداوند درهای رحمت خویش را به روی آنان گشوده است، به همین سبب، حضرت امام حسین^ع فرمود: «از نعمت های خدا این است که مردم حوائج خود را نزد شما می آورند، پس از نعمت های خدا(که حاجت مردم است) انا را راحت نشوید. «مجلسی، محمدباقر ج۲، ص ۱۹۸، حدیث ۸) در چنین افقی، حاجت مردم، باری مزاحم و آزاد دهنده نیست، بلکه نعمتی الهی و مجرایی برای ظهور کرامت انسان مؤمن است. چه بسیار کسانی که در اثر تمکن مالی یا موقعیت اجتماعی، در معرض مراجعه نیازمندان قرار می گیرند، اینان اگر بانگاه الهی بنگرند، خواهند دانست که خداوند درهای رحمت خویش را به روی آنان گشوده است، به همین سبب، حضرت امام حسین^ع فرمود: «از نعمت های خدا این است که مردم حوائج خود را نزد شما می آورند، پس از نعمت های خدا(که حاجت مردم است) انا را راحت نشوید. «مجلسی، محمدباقر ج۲، ص ۱۹۸، حدیث ۸) در چنین افقی، حاجت مردم، باری مزاحم و آزاد دهنده نیست، بلکه نعمتی الهی و مجرایی برای ظهور کرامت انسان مؤمن است. چه بسیار کسانی که در اثر تمکن مالی یا موقعیت اجتماعی، در معرض مراجعه نیازمندان قرار می گیرند، اینان اگر بانگاه الهی بنگرند، خواهند دانست که خداوند درهای رحمت خویش را به روی آنان گشوده است، به همین سبب، حضرت امام حسین^ع فرمود: «از نعمت های خدا این است که مردم حوائج خود را نزد شما می آورند، پس از نعمت های خدا(که حاجت مردم است) انا را راحت نشوید. «مجلسی، محمدباقر ج۲، ص ۱۹۸، حدیث ۸) در چنین افقی، حاجت مردم، باری مزاحم و آزاد دهنده نیست، بلکه نعمتی الهی و مجرایی برای ظهور کرامت انسان مؤمن است. چه بسیار کسانی که در اثر تمکن مالی یا موقعیت اجتماعی، در معرض مراجعه نیازمندان قرار می گیرند، اینان اگر بانگاه الهی بنگرند، خواهند دانست که خداوند درهای رحمت خویش را به روی آنان گشوده است، به همین سبب، حضرت امام حسین^ع فرمود: «از نعمت های خدا این است که مردم حوائج خود را نزد شما می آورند، پس از نعمت های خدا(که حاجت مردم است) انا را راحت نشوید. «مجلسی، محمدباقر ج۲، ص ۱۹۸، حدیث ۸) در چنین افقی، حاجت مردم، باری مزاحم و آزاد دهنده نیست، بلکه نعمتی الهی و مجرایی برای ظهور کرامت انسان مؤمن است. چه بسیار کسانی که در اثر تمکن مالی یا موقعیت اجتماعی، در معرض مراجعه نیازمندان قرار می گیرند، اینان اگر بانگاه الهی بنگرند، خواهند دانست که خداوند درهای رحمت خویش را به روی آنان گشوده است، به همین سبب، حضرت امام حسین^ع فرمود: «از نعمت های خدا این است که مردم حوائج خود را نزد شما می آورند، پس از نعمت های خدا(که حاجت مردم است) انا را راحت نشوید. «مجلسی، محمدباقر ج۲، ص ۱۹۸، حدیث ۸) در چنین افقی، حاجت مردم، باری مزاحم و آزاد دهنده نیست، بلکه نعمتی الهی و مجرایی برای ظهور کرامت انسان مؤمن است. چه بسیار کسانی که در اثر تمکن مالی یا موقعیت اجتماعی، در معرض مراجعه نیازمندان قرار می گیرند، اینان اگر بانگاه الهی بنگرند، خواهند دانست که خداوند درهای رحمت خویش را به روی آنان گشوده است، به همین سبب، حضرت امام حسین^ع فرمود: «از نعمت های خدا این است که مردم حوائج خود را نزد شما می آورند، پس از نعمت های خدا(که حاجت مردم است) انا را راحت نشوید. «مجلسی، محمدباقر ج۲، ص ۱۹۸، حدیث ۸) در چنین افقی، حاجت مردم، باری مزاحم و آزاد دهنده نیست، بلکه نعمتی الهی و مجرایی برای ظهور کرامت انسان مؤمن است. چه بسیار کسانی که در اثر تمکن مالی یا موقعیت اجتماعی، در معرض مراجعه نیازمندان قرار می گیرند، اینان اگر بانگاه الهی بنگرند، خواهند دانست که خداوند درهای رحمت خویش را به روی آنان گشوده است، به همین سبب، حضرت امام حسین^ع فرمود: «از نعمت های خدا این است که مردم حوائج خود را نزد شما می آورند، پس از نعمت های خدا(که حاجت مردم است) انا را راحت نشوید. «مجلسی، محمدباقر ج۲، ص ۱۹۸، حدیث ۸) در چنین افقی، حاجت مردم، باری مزاحم و آزاد دهنده نیست، بلکه نعمتی الهی و مجرایی برای ظهور کرامت انسان مؤمن است. چه بسیار کسانی که در اثر تمکن مالی یا موقعیت اجتماعی، در معرض مراجعه نیازمندان قرار می گیرند، اینان اگر بانگاه الهی بنگرند، خواهند دانست که خداوند درهای رحمت خویش را به روی آنان گشوده است، به همین سبب، حضرت امام حسین^ع فرمود: «از نعمت های خدا این است که مردم حوائج خود را نزد شما می آورند، پس از نعمت های خدا(که حاجت مردم است) انا را راحت نشوید. «مجلسی، محمدباقر ج۲، ص ۱۹۸، حدیث ۸) در چنین افقی، حاجت مردم، باری مزاحم و آزاد دهنده نیست، بلکه نعمتی الهی و مجرایی برای ظهور کرامت انسان مؤمن است. چه بسیار کسانی که در اثر تمکن مالی یا موقعیت اجتماعی، در معرض مراجعه نیازمندان قرار می گیرند، اینان اگر بانگاه الهی بنگرند، خواهند دانست که خداوند درهای رحمت خویش را به روی آنان گشوده است، به همین سبب، حضرت امام حسین^ع فرمود: «از نعمت های خدا این است که مردم حوائج خود را نزد شما می آورند، پس از نعمت های خدا(که حاجت مردم است) انا را راحت نشوید. «مجلسی، محمدباقر ج۲، ص ۱۹۸، حدیث ۸) در چنین افقی، حاجت مردم، باری مزاحم و آزاد دهنده نیست، بلکه نعمتی الهی و مجرایی برای ظهور کرامت انسان مؤمن است. چه بسیار کسانی که در اثر تمکن مالی یا موقعیت اجتماعی، در معرض مراجعه نیازمندان قرار می گیرند، اینان اگر بانگاه الهی بنگرند، خواهند دانست که خداوند درهای رحمت خویش را به روی آنان گشوده است، به همین سبب، حضرت امام حسین^ع فرمود: «از نعمت های خدا این است که مردم حوائج خود را نزد شما می آورند، پس از نعمت های خدا(که حاجت مردم است) انا را راحت نشوید. «مجلسی، محمدباقر ج۲، ص ۱۹۸، حدیث ۸) در چنین افقی، حاجت مردم، باری مزاحم و آزاد دهنده نیست، بلکه نعمتی الهی و مجرایی برای ظهور کرامت انسان مؤمن است. چه بسیار کسانی که در اثر تمکن مالی یا موقعیت اجتماعی، در معرض مراجعه نیازمندان قرار می گیرند، اینان اگر بانگاه الهی بنگرند، خواهند دانست که خداوند درهای رحمت خویش را به روی آنان گشوده است، به همین سبب، حضرت امام حسین^ع فرمود: «از نعمت های خدا این است که مردم حوائج خود را نزد شما می آورند، پس از نعمت های خدا(که حاجت مردم است) انا را راحت نشوید. «مجلسی، محمدباقر ج۲، ص ۱۹۸، حدیث ۸) در چنین افقی، حاجت مردم، باری مزاحم و آزاد دهنده نیست، بلکه نعمتی الهی و مجرایی برای ظهور کرامت انسان مؤمن است. چه بسیار کسانی که در اثر تمکن مالی یا موقعیت اجتماعی، در معرض مراجعه نیازمندان قرار می گیرند، اینان اگر بانگاه الهی بنگرند، خواهند دانست که خداوند درهای رحمت خویش را به روی آنان گشوده است، به همین سبب، حضرت امام حسین^ع فرمود: «از نعمت های خدا این است که مردم حوائج خود را نزد شما می آورند، پس از نعمت های خدا(که حاجت مردم است) انا را راحت نشوید. «مجلسی، محمدباقر ج۲، ص ۱۹۸، حدیث ۸) در چنین افقی، حاجت مردم، باری مزاحم و آزاد دهنده نیست، بلکه نعمتی الهی و مجرایی برای ظهور کرامت انسان مؤمن است. چه بسیار کسانی که در اثر تمکن مالی یا موقعیت اجتماعی، در معرض مراجعه نیازمندان قرار می گیرند، اینان اگر بانگاه الهی بنگرند، خواهند دانست که خداوند درهای رحمت خویش را به روی آنان گشوده است، به همین سبب، حضرت امام حسین^ع فرمود: «از نعمت های خدا این است که مردم حوائج خود را نزد شما می آورند، پس از نعمت های خدا(که حاجت مردم است) انا را راحت نشوید. «مجلسی، محمدباقر ج۲، ص ۱۹۸، حدیث ۸) در چنین افقی، حاجت مردم، باری مزاحم و آزاد دهنده نیست، بلکه نعمتی الهی و مجرایی برای ظهور کرامت انسان مؤمن است. چه بسیار کسانی که در اثر تمکن مالی یا موقعیت اجتماعی، در معرض مراجعه نیازمندان قرار می گیرند، اینان اگر بانگاه الهی بنگرند، خواهند دانست که خداوند درهای رحمت خویش را به روی آنان گشوده است، به همین سبب، حضرت امام حسین^ع فرمود: «از نعمت های خدا این است که مردم حوائج خود را نزد شما می آورند، پس از نعمت های خدا(که حاجت مردم است) انا را راحت نشوید. «مجلسی، محمدباقر ج۲، ص ۱۹۸، حدیث ۸) در چنین افقی، حاجت مردم، باری مزاحم و آزاد دهنده نیست، بلکه نعمتی الهی و مجرایی برای ظهور کرامت انسان مؤمن است. چه بسیار کسانی که در اثر تمکن مالی یا موقعیت اجتماعی، در معرض مراجعه نیازمندان قرار می گیرند، اینان اگر بانگاه الهی بنگرند، خواهند دانست که خداوند درهای رحمت خویش را به روی آنان گشوده است، به همین سبب، حضرت امام حسین^ع فرمود: «از نعمت های خدا این است که مردم حوائج خود را نزد شما می آورند، پس از نعمت های خدا(که حاجت مردم است) انا را راحت نشوید. «مجلسی، محمدباقر ج۲، ص ۱۹۸، حدیث ۸) در چنین افقی، حاجت مردم، باری مزاحم و آزاد دهنده نیست، بلکه نعمتی الهی و مجرایی برای ظهور کرامت انسان مؤمن است. چه بسیار کسانی که در اثر تمکن مالی یا موقعیت اجتماعی، در معرض مراجعه نیازمندان قرار می گیرند، اینان اگر بانگاه الهی بنگرند، خواهند دانست که خداوند درهای رحمت خویش را به روی آنان گشوده است، به همین سبب، حضرت امام حسین^ع فرمود: «از نعمت های خدا این است که مردم حوائج خود را نزد شما می آورند، پس از نعمت های خدا(که حاجت مردم است) انا را راحت نشوید. «مجلسی، محمدباقر ج۲، ص ۱۹۸، حدیث ۸) در چنین افقی، حاجت مردم، باری مزاحم و آزاد دهنده نیست، بلکه نعمتی الهی و مجرایی برای ظهور کرامت انسان مؤمن است. چه بسیار کسانی که در اثر تمکن مالی یا موقعیت اجتماعی، در معرض مراجعه نیازمندان قرار می گیرند، اینان اگر بانگاه الهی بنگرند، خواهند دانست که خداوند درهای رحمت خویش را به روی آنان گشوده است، به همین سبب، حضرت امام حسین^ع فرمود: «از نعمت های خدا این است که مردم حوائج خود را نزد شما می آورند، پس از نعمت های خدا(که حاجت مردم است) انا را راحت نشوید. «مجلسی، محمدباقر ج۲، ص ۱۹۸، حدیث ۸) در چنین افقی، حاجت مردم، باری مزاحم و آزاد دهنده نیست، بلکه نعمتی الهی و مجرایی برای ظهور کرامت انسان مؤمن است. چه بسیار کسانی که در اثر تمکن مالی یا موقعیت اجتماعی، در معرض مراجعه نیازمندان قرار می گیرند، اینان اگر بانگاه الهی بنگرند، خواهند دانست که خداوند درهای رحمت خویش را به روی آنان گشوده است، به همین سبب، حضرت امام حسین^ع فرمود: «از نعمت های خدا این است که مردم حوائج خود را نزد شما می آورند، پس از نعمت های خدا(که حاجت مردم است) انا را راحت نشوید. «مجلسی، محمدباقر ج۲، ص ۱۹۸، حدیث ۸) در چنین افقی، حاجت مردم، باری مزاحم و آزاد دهنده نیست، بلکه نعمتی الهی و مجرایی برای ظهور کرامت انسان مؤمن است. چه بسیار کسانی که در اثر تمکن مالی یا موقعیت اجتماعی، در معرض مراجعه نیازمندان قرار می گیرند، اینان اگر بانگاه الهی بنگرند، خواهند دانست که خداوند درهای رحمت خویش را به روی آنان گشوده است، به همین سبب، حضرت امام حسین^ع فرمود: «از نعمت های خدا این است که مردم حوائج خود را نزد شما می آورند، پس از نعمت های خدا(که حاجت مردم است) انا را راحت نشوید. «مجلسی، محمدباقر ج۲، ص ۱۹۸، حدیث ۸) در چنین افقی، حاجت مردم، باری مزاحم و آزاد دهنده نیست، بلکه نعمتی الهی و مجرایی برای ظهور کرامت انسان مؤمن است. چه بسیار کسانی که در اثر تمکن مالی یا موقعیت اجتماعی، در معرض مراجعه نیازمندان قرار می گیرند، اینان اگر بانگاه الهی بنگرند، خواهند دانست که خداوند درهای رحمت خویش را به روی آنان گشوده است، به همین سبب، حضرت امام حسین^ع فرمود: «از نعمت های خدا این است که مردم حوائج خود را نزد شما می آورند، پس از نعمت های خدا(که حاجت مردم است) انا را راحت نشوید. «مجلسی، محمدباقر ج۲، ص ۱۹۸، حدیث ۸) در چنین افقی، حاجت مردم، باری مزاحم و آزاد دهنده نیست، بلکه نعمتی الهی و مجرایی برای ظهور کرامت انسان مؤمن است. چه بسیار کسانی که در اثر تمکن مالی یا موقعیت اجتماعی، در معرض مراجعه نیازمندان قرار می گیرند، اینان اگر بانگاه الهی بنگرند، خواهند دانست که خداوند درهای رحمت خویش را به روی آنان گشوده است، به همین سبب، حضرت امام حسین^ع فرمود: «از نعمت های خدا این است که مردم حوائج خود را نزد شما می آورند، پس از نعمت های خدا(که حاجت مردم است) انا را راحت نشوید. «مجلسی، محمدباقر ج۲، ص ۱۹۸، حدیث ۸) در چنین افقی، حاجت مردم، باری مزاحم و آزاد دهنده نیست، بلکه نعمتی الهی و مجرایی برای ظهور کرامت انسان مؤمن است. چه بسیار کسانی که در اثر تمکن مالی یا موقعیت اجتماعی، در معرض مراجعه نیازمندان قرار می گیرند، اینان اگر بانگاه الهی بنگرند، خواهند دانست که خداوند درهای رحمت خویش را به روی آنان گشوده است، به همین سبب، حضرت امام حسین^ع فرمود: «از نعمت های خدا این است که مردم حوائج خود را نزد شما می آورند، پس از نعمت های خدا(که حاجت مردم است) انا را راحت نشوید. «مجلسی، محمدباقر ج۲، ص ۱۹۸، حدیث ۸) در چنین افقی، حاجت مردم، باری مزاحم و آزاد دهنده نیست، بلکه نعمتی الهی و مجرایی برای ظهور کرامت انسان مؤمن است. چه بسیار کسانی که در اثر تمکن مالی یا موقعیت اجتماعی، در معرض مراجعه نیازمندان قرار می گیرند، اینان اگر بانگاه الهی بنگرند، خواهند دانست که خداوند درهای رحمت خویش را به روی آنان گشوده است، به همین سبب، حضرت امام حسین^ع فرمود: «از نعمت های خدا این است که مردم حوائج خود را نزد شما می آورند، پس از نعمت های خدا(که حاجت مردم است) انا را راحت نشوید. «مجلسی، محمدباقر ج۲، ص ۱۹۸، حدیث ۸) در چنین افقی، حاجت مردم، باری مزاحم و آزاد دهنده نیست، بلکه نعمتی الهی و مجرایی برای ظهور کرامت انسان مؤمن است. چه بسیار کسانی که در اثر تمکن مالی یا موقعیت اجتماعی، در معرض مراجعه نیازمندان قرار می گیرند، اینان اگر بانگاه الهی بنگرند، خواهند دانست که خداوند درهای رحمت خویش را به روی آنان گشوده است، به همین سبب، حضرت امام حسین^ع فرمود: «از نعمت های خدا این است که مردم حوائج خود را نزد شما می آورند، پس از نعمت های خدا(که حاجت مردم است) انا را راحت نشوید. «مجلسی، محمدباقر ج۲، ص ۱۹۸، حدیث ۸) در چنین افقی، حاجت مردم، باری مزاحم و آزاد دهنده نیست، بلکه نعمتی الهی و مجرایی برای ظهور کرامت انسان مؤمن است. چه بسیار کسانی که در اثر تمکن مالی یا موقعیت اجتماعی، در معرض مراجعه نیازمندان قرار می گیرند، اینان اگر بانگاه الهی بنگرند، خواهند دانست که خداوند درهای رحمت خویش را به روی آنان گشوده است، به همین سبب، حضرت امام حسین^ع فرمود: «از نعمت های خدا این است که مردم حوائج خود را نزد شما می آورند، پس از نعمت های خدا(که حاجت مردم است) انا را راحت نشوید. «مجلسی، محمدباقر ج۲، ص ۱۹۸، حدیث ۸) در چنین افقی، حاجت مردم، باری مزاحم و آزاد دهنده نیست، بلکه نعمتی الهی و مجرایی برای ظهور کرامت انسان مؤمن است. چه بسیار کسانی که در اثر تمکن مالی یا موقعیت اجتماعی، در معرض مراجعه نیازمندان قرار می گیرند، اینان اگر بانگاه الهی بنگرند، خواهند دانست که خداوند درهای رحمت خویش را به روی آنان گشوده است، به همین سبب، حضرت امام حسین^ع فرمود: «از نعمت های خدا این است که مردم حوائج خود را نزد شما می آورند، پس از نعمت های خدا(که حاجت مردم است) انا را راحت نشوید. «مجلسی، محمدباقر ج۲، ص ۱۹۸، حدیث ۸) در چنین افقی، حاجت مردم، باری مزاحم و آزاد دهنده نیست، بلکه نعمتی الهی و مجرایی برای ظهور کرامت انسان مؤمن است. چه بسیار کسانی که در اثر تمکن مالی یا موقعیت اجتماعی، در معرض مراجعه نیازمندان قرار می گیرند، اینان اگر بانگاه الهی بنگرند، خواهند دانست که خداوند درهای رحمت خویش را به روی آنان گشوده است، به همین سبب، حضرت امام حسین^ع فرمود: «از نعمت های خدا این است که مردم حوائج خود را نزد شما می آورند، پس از نعمت های خدا(که حاجت مردم است) انا را راحت نشوید. «مجلسی، محمدباقر ج۲، ص ۱۹۸، حدیث ۸) در چنین افقی، حاجت مردم، باری مزاحم و آزاد دهنده نیست، بلکه نعمتی الهی و مجرایی برای ظهور کرامت انسان مؤمن است. چه بسیار کسانی که در اثر تمکن مالی یا موقعیت اجتماعی، در معرض مراجعه نیازمندان قرار می گیرند، اینان اگر بانگاه الهی بنگرند، خواهند دانست که خداوند درهای رحمت خویش را به روی آنان گشوده است، به همین سبب، حضرت امام حسین^ع فرمود: «از نعمت های خدا این است که مردم حوائج خود را نزد شما می آورند، پس از نعمت های خدا(که حاجت مردم است) انا را راحت نشوید. «مجلسی، محمدباقر ج۲، ص ۱۹۸، حدیث ۸) در چنین افقی، حاجت مردم، باری مزاحم و آزاد دهنده نیست، بلکه نعمتی الهی و مجرایی برای ظهور کرامت انسان مؤمن است. چه بسیار کسانی که در اثر تمکن مالی یا موقعیت اجتماعی، در معرض مراجعه نیازمندان قرار می گیرند، اینان اگر بانگاه الهی بنگرند، خواهند دانست که خداوند درهای رحمت خویش را به روی آنان گشوده است، به همین سبب، حضرت امام حسین^ع فرمود: «از نعمت های خدا این است که مردم حوائج خود را نزد شما می آورند، پس از نعمت های خدا(که حاجت مردم است) انا را راحت نشوید. «مجلسی، محمدباقر ج۲، ص ۱۹۸، حدیث ۸) در چنین افقی، حاجت مردم، باری مزاحم و آزاد دهنده نیست، بلکه نعمتی الهی و مجرایی برای ظهور کرامت انسان مؤمن است. چه بسیار کسانی که در اثر تمکن مالی یا موقعیت اجتماعی، در معرض مراجعه نیازمندان قرار می گیرند، اینان اگر بانگاه الهی بنگرند، خواهند دانست که خداوند درهای رحمت خویش را به روی آنان گشوده است، به همین سبب، حضرت امام حسین^ع فرمود: «از نعمت های خدا این است که مردم حوائج خود را نزد شما می آورند، پس از نعمت های خدا(که حاجت مردم است) انا را راحت نشوید. «مجلسی، محمدباقر ج۲، ص ۱۹۸، حدیث ۸) در چنین افقی، حاجت مردم، باری مزاحم و آزاد دهنده نیست، بلکه نعمتی الهی و مجرایی برای ظهور کرامت انسان مؤمن است. چه بسیار کسانی که در اثر تمکن مالی یا موقعیت اجتماعی، در معرض مراجعه نیازمندان قرار می گیرند، اینان اگر بانگاه الهی بنگرند، خواهند دانست که خداوند درهای رحمت خویش را به روی آنان گشوده است، به همین سبب، حضرت امام حسین^ع فرمود: «از نعمت های خدا این است که مردم حوائج خود را نزد شما می آورند، پس از نعمت های خدا(که حاجت مردم است) انا را راحت نشوید. «مجلسی، محمدباقر ج۲، ص ۱۹۸، حدیث ۸) در چنین افقی، حاجت مردم، باری مزاحم و آزاد دهنده نیست، بلکه نعمتی الهی و مجرایی برای ظهور کرامت انسان مؤمن است. چه بسیار کسانی که در اثر تمکن مالی یا موقعیت اجتماعی، در معرض مراجعه نیازمندان قرار می گیرند، اینان اگر بانگاه الهی بنگرند، خواهند دانست که خداوند درهای رحمت خویش را به روی آنان گشوده است، به همین سبب، حضرت امام حسین^ع فرمود: «از نعمت های خدا این است که مردم حوائج خود را نزد شما می آورند، پس از نعمت های خدا(که حاجت مردم است) انا را راحت نشوید. «مجلسی، محمدباقر ج۲، ص ۱۹۸، حدیث ۸) در چنین افقی، حاجت مردم، باری مزاحم و آزاد دهنده نیست، بلکه نعمتی الهی و مجرایی برای ظهور کرامت انسان مؤمن است. چه بسیار کسانی که در اثر تمکن مالی یا موقعیت اجتماعی، در معرض مراجعه نیازمندان قرار می گیرند، اینان اگر بانگاه الهی بنگرند، خواهند دانست که خداوند درهای رحمت خویش را به روی آنان گشوده است، به همین سبب، حضرت امام حسین^ع فرمود: «از نعمت های خدا این است که مردم حوائج خود را نزد شما می آورند، پس از نعمت های خدا(که حاجت مردم است) انا را راحت نشوید. «مجلسی، محمدباقر ج۲، ص ۱۹۸، حدیث ۸) در چنین افقی، حاجت مردم، باری مزاحم و آزاد دهنده نیست، بلکه نعمتی الهی و مجرایی برای ظهور کرامت انسان مؤمن است. چه بسیار کسانی که در اثر تمکن مالی یا موقعیت اجتماعی، در معرض مراجعه نیازمندان قرار می گیرند، اینان اگر بانگاه الهی بنگرند، خواهند دانست که خداوند درهای رحمت خویش را به روی آنان گشوده است، به همین سبب، حضرت امام حسین^ع فرمود: «از نعمت های خدا این است که مردم حوائج خود را نزد شما می آورند، پس از نعمت های خدا(که حاجت مردم است) انا را راحت نشوید. «مجلسی، محمدباقر ج۲، ص ۱۹۸، حدیث ۸) در چنین افقی، حاجت مردم، باری مزاحم و آزاد دهنده نیست، بلکه نعمتی الهی و مجرایی برای ظهور کرامت انسان مؤمن است. چه بسیار کسانی که در اثر تمکن مالی یا موقعیت اجتماعی، در معرض مراجعه نیازمندان قرار می گیرند، اینان اگر بانگاه الهی بنگرند، خواهند دانست که خداوند درهای رحمت خویش را به روی آنان گشوده است، به همین سبب، حضرت امام حسین^ع فرمود: «از نعمت های خدا این است که مردم حوائج خود را نزد شما می آورند، پس از نعمت های خدا(که حاجت مردم است) انا را راحت نشوید. «مجلسی، محمدباقر ج۲، ص ۱۹۸، حدیث ۸) در چنین افقی، حاجت مردم، باری مزاحم و آزاد دهنده نیست، بلکه نعمتی الهی و مجرایی برای ظهور کرامت انسان مؤمن است. چه بسیار کسانی که در اثر تمکن مالی یا موقعیت اجتماعی، در معرض مراجعه نیازمندان قرار می گیرند، اینان اگر بانگاه الهی بنگرند، خواهند دانست که خداوند درهای رحمت خویش را به روی آنان گشوده است، به همین سبب، حضرت امام حسین^ع فرمود: «از نعمت های خدا این است که مردم حوائج خود را نزد شما می آورند، پس از نعمت های خدا(که حاجت مردم است) انا را راحت نشوید. «مجلسی، محمدباقر ج۲، ص ۱۹۸، حدیث ۸) در چنین افقی، حاجت مردم، باری مزاحم و آزاد دهنده نیست، بلکه نعمتی الهی و مجرایی برای ظهور کرامت انسان مؤمن است. چه بسیار کسانی که در اثر تمکن مالی یا موقعیت اجتماعی، در معرض مراجعه نیازمندان قرار می گیرند، اینان اگر بانگاه الهی بنگرند، خواهند دانست که خداوند درهای رحمت خویش را به روی آنان گشوده است، به همین سبب، حضرت امام حسین^ع فرمود: «از نعمت های خدا این است که مردم حوائج خود را نزد شما می آورند، پس از نعمت های خدا(که حاجت مردم است) انا را راحت نشوید. «